مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۰. پاییز ۱۳۹۹
Urban managment
No.60 Autumn 2020
۱۳۳ - ۱۲۳
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۰۳ تاریخ پذیرش نهایی :۱۳۹۹/۱۲/۱۷

تبیین ارتباط میان صفات مدیر و معیارهای مدیریت شهری مطلوب با برداشتی از نهج‌البلاغه

مصطفی اکبری مطلق، دانشجوی دکتری، شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران، ایران
بهناز امین‌زاده*، عضو هیئت‌علمی و استاد تمام، شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

طی دهه اخیر اگرچه دانش مدیریت شهری در ایران موردتوجه قرار گرفت و به‌عنوان رشته‌ای دانشگاهی ظاهر شد اما به نظر می‌رسد ظهور آثار مثبت آن در مقام اجرا با چالش‌هایی روبرو گشته و در بهبود نظام مدیریت شهری جایگاه خود را نیافته است. ازاین‌رو برخی از پژوهشگران حل چالش‌های زمینه‌ای خصوصاً شکاف بین تئوری و عمل را در استفاده از مبانی و معارف فرهنگی و دینی جستجو کرده و آن را از منظر منابع معتبر اسلامی مورد بازبینی قرار داده‌اند. یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در این حوزه یکپارچگی و ارتباط بین خصایص مدیر و مدیریت است که در موارد متعدد به‌تنهایی موردپژوهش قرار گرفته اما به‌طور خاص کمتر به آن پرداخته شده است. هدف اصلی این پژوهش ایجاد زمینه‌ای مؤثر برای رویکرد دینی و بومی نسبت به دانش میان‌رشته‌ای مدیریت شهری است. در این مقاله تلاش شده است تا جایگاه و ارتباط صفات مدیر و معیارهای مدیریت شهری مطلوب در قالب چارچوبی یکپارچه از بطن آموزه‌های نهج‌البلاغه، که از متون معتبر اسلامی است، استخراج و تبیین گردد. رویکرد تحقیق کیفی است و از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از منظر امام علی (ع)، حکومت (مرادف با مدیریت) نیازمند برخورداری از ابنای اساسی است که عبارت‌اند از عدالت، قضاوت، امنیت، وحدت، معیشت، و آموزش؛ و حاکم (مرادف با مدیر) به‌عنوان الگوی جامعه بایستی صفاتی را داشته باشد که از راه خودسازی در راستای تقویت صداقت، مردم‌داری، تواضع، حق‌گرایی، مشورت، جمع‌گرایی، میانه‌روی، سعه‌صدر و خردورزی در وجودش نهادینه شود. با توجه به ارتباط میان صفات و معیارهای حاصل‌شده می‌توان به تعریفی از الگوی متناسب با جایگاه مدیریتی برای حصول بهترین نتیجه با توجه به اهداف مدیریت شهری دست یافت.

کلید واژه: مدیریت شهری، حکومت، حاکم، امام علی (ع)، نهج البلاغه.

Explanation of the Relationship between Manager's Attitudes and Principles of Urban Management Based on Nahj al-Balagheh

Abstract

During the last decade, although the knowledge of urban management in Iran has been considered and appeared as an academic discipline, it seems that the emergence of its positive effects in implementation has faced challenges and played no impressive role in improving the system. Therefore, some researchers have sought to solve the fundamental contests, especially the gap between theory and practice in the use of cultural and religious principles, and have reviewed it from the viewpoint of authoritative Islamic resources. One of the most vital issues in this area is the combination and bond between the characteristics of the manager and management, which in many cases has been premeditated but in exact has been less talked. The main purpose of this study is to make an impressive framework for an indigenous and religious approach to interdisciplinary knowledge of urban management. In this article, an attempt has been made to extract and explain the role and relationship between manager's attitudes and principles of urban management in the form of an integrated outline from the view of Nahj al-Balagheh, which is one of the most admitted Islamic texts. The research method is qualitative and the content analysis method is used. From Imam Ali's point of view, government (synonymous with management) needs to have basic grounds which are justice, judgment, security, unity, livelihood, and education; And the ruler (synonymous with the manager) society should have the qualities that are internalized in him through self-improvement in order to strengthen honesty, democracy, humility, truthfulness, consultation, collectivism, democracy, tolerance and rationality. According to the association between the obtained traits and principles, it is conceivable to define an appropriate schema for a managerial position to achieve the best results consistent with the objectives.

Keywords: Urban Management, Governance, Government, Imam Ali, Nahj al-Balagheh

*- نویسنده مسئول - bgohar@ut.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

۱- مقدمه

از اواخر دهه هفتاد میلادی که موضوع مدیریت شهری به‌صورت علمی مطرح شد فرایندهای آن همواره از دغدغه‌های مهم اندیشمندان بوده که شالوده آن عبارت است از بر عهده گرفتن نقشی فعال در توسعه، مدیریت و هماهنگ‌سازی منابع برای دستیابی به اهداف توسعه شهری (کاظمیان و عابدینی، ۱۳۹۰). مدیریت شهری در تعاریف کل‌نگر از مفهوم صرف اداره امور شهر فراتر رفته و با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ارتباط قرار گرفته است و نقشی فعال را در توسعه شهری بازی می‌کند. در این نگرش، مدیریت مسئولیتی مهم است که بر عهده مدیر شهری قرار دارد (McGill, ۱۹۹۸) و در امور محلی و مدیریت یکپارچه شهری به یک رده حکومتی ویژه و نسبت مستقل و واحد در کل نظام حکومتی واگذار شده است (Wandeler, ۲۰۰۸; Schwedler,۲۰۱۱). درواقع مدیر شهری مسئولیت حکومت محلی را بر عهده دارد و تمام حوزه‌های توسعه شهر از خصوصی تا عمومی را در اختیار گرفته (Amos, ۱۹۸۹) و از طریق مشارکت مردمی و درکنش متقابل با گروه‌های ذی‌نفع به تنظیم راهبردها و عملکردهای شهری می‌پردازد (Oliver, ۲۰۰۸). مهم‌ترین وظیفه مدیر شهری که با هدف تقویت و بهبود جامعه شهری صورت می‌گیرد شهروندسازی به معنای فراهم نمودن امکانات، تسهیلات و سازوکارهای لازم برای شهروندان است. با این رویکرد مسئله مهم مدیریت شهری به تعبیر مک گیل (Mcgill,۲۰۰۱)، در قالب یک پرسش هدفمند قابل‌طرح است: آیا مدیریت شهری تنها یک رابطه حکومتی است (توزیع منابع) و یا موضوعی مهم برای همه بازیگران در سازوکار شهری محسوب می‌شود؟

در عصر حاضر ضعف ضوابط حقوقی و قانونی، عدم وجود سیاست مدیریتی یکپارچه، عدم هماهنگی و همکاری بین سازمانی به دلیل نگرش بخشی و نقصان منابع مالی و کم‌توجهی مدیران به جایگاه شهروندان از مهم‌ترین دغدغه‌های مدیریت شهری محسوب می‌شود (Attri et al, ۲۰۱۲). مدیریت شهری در شهرها بدون برخورداری از یک نظام مدیریتی منسجم و هدفمند نمی‌تواند کارآمد و اثربخش باشد، زیرا جدای از ماهیت خود که چندبخشی و چند کنشگر است باید به بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی شهر، مشارکت و عدالت نیز توجه کند. همچنین شهرها دارای وضعیت و ویژگی‌های متفاوتی هستند که فرصت‌هایی مانند بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی موجود را به‌وسیله حاکمیت ایجاب می‌کنند (Nandakumar et al, ۲۰۱۴). به بیان بمانیان و همکاران (۱۳۹۲) مسائل شهری را می‌توان در ارتباط با نارسایی‌های مدیریت شهری تحلیل نمود، چراکه عدم برقراری موازنه در گردونه پاسخ به نیازهای اساسی شهروندان موجب بروز اشکال در فرایندها می‌شود. پس نقش حکومت‌ها در مقیاس‌های خرد و کلان در برقراری شرایط زندگی باکیفیت برای شهروندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در نظام شهرنشینی این وظیفه بر دوش حکومت محلی یا همان مدیریت شهری قرار دارد.

در ایران نقش حکومت در راستای آرمان‌ها و مقاصد اعتلای جامعه شهری به‌طورکلی از منظر اسلام و به‌طور خاص از نگاه امام علی (ع) موردمطالعه و پژوهش بسیاری از علاقه‌مندان قرار گرفته و تلاش‌هایی برای تعریف مدیر و مدیریت از این منظر انجام شده است. در همین راستا شریف زادگان (۱۳۹۴) و عرفانیان (۱۳۹۶) مسئله مدیریت شهری از دیدگاه اسلام، و امین‌زاده و نقی‌زاده (۱۳۸۱) و نقی‌زاده (۱۳۹۵) خصایص حکومت علوی را موردمطالعه قرار داده‌اند. رستمی و نظری (۱۳۹۵) حکومت مطلوب را مبتنی بر اسلام، اجماع و عقل؛ درزی و صدریه (۱۳۹۴) مؤلفه‌های حکمرانی خوب را در پاسخگویی، ثبات، اثربخشی، قانون‌مداری، و فسادزدایی؛ نوایی و سیدموسوی (۱۳۹۰) منشأ و ملاک‌های حکومت الهی را در کفایت، الوهیت، مردم‌داری، و نظارت؛ قراسویی (۱۳۹۴) عوامل مدیریت سالم را در مردم‌داری، ارتباط دوسویه، پاسخ‌گویی، و قانون‌مداری؛ و جعفری (۱۳۸۴) اصول مدیریت شهری را در شایستگی، خوش‌گمانی، فرزانگی، و یکپارچگی پیدا می‌کنند.

موضوع صفات حاکم از منظر امام علی (ع) نیز مطالعاتی را به خود اختصاص داده است، برای نمونه قربان نژاد و عیسی‌خانی (۱۳۹۲) شایستگی‌های اصلی مدیر را در تقوا، اخلاق، امانت‌داری، انصاف و خرد؛ ربی پور و صمدی وند (۱۳۸۸) خصوصیات مدیر را در ایمان، تقوا، وفا، صداقت، اعتدال، ساده زیستی، گذشت، تلاش، خلق حسنه، دلسوزی، عدالت، اصالت، تخصص، تجربه، و توانایی؛ ماهوزی (۱۳۹۱) ملزومات مدیر بودن را در کشتن نفس اماره، تقویت نفس لوامه و نیل به نفس مطمئنه؛ و حیدری (۱۳۹۷) مهم‌ترین خصایص حاکم را امانت‌داری، تواضع، مدارا، شکیبایی، اعتدال، و مردم‌داری می‌یابند.

در این تحقیق با نظر به لزوم تدقیق چارچوب صلاحیت‌های مدیر و مدیریت شهری سعی شد از معبر اندیشه الهی امام علی (ع) درباره حاکم و حکومت، مطالعه‌ای تطبیقی انجام شود. مقصود از حکومت در این پژوهش معنای عام آن است که قوه اجرایی را در ارتباط با قوای دیگر در تعامل می‌بینند و سعی دارد آن را در

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۰. پاییز ۱۳۹۹
Urban managment
No.60 Autumn 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

شمایل یک نظام حکومت محلی تعریف کند. در سخنان امام علی (ع) حاکم و حکومت در چارچوبی یکپارچه متبلور می‌شوند و تبیین و تفکیک وظایف به نماینده رسمی در هر منطقه ابلاغ می‌گردد (جعفری، ۱۳۷۶: ۷۱). در چارچوب معنایی این پژوهش می‌توان حکومت را هم‌عرض مدیریت (به معنای مجموعه فرایندهای تعدیل و تنظیم و تثبیت امور شهر و شهروندان)، حاکم را معادل مدیر (به‌مثابه کانون تدبیر و تصمیم‌گیری درباره امور شهری) و مردم را مرادف با شهروندان (به معنای ساکنین ذی‌حق و ذی‌نفع) انگاشت. سؤال اصلی پژوهش این است که: در نظر امام علی (ع) صفات حاکم (مدیر شهری) و معیارهای حکومت مطلوب (مدیریت شهری) چه رابطه و الگوی معناداری می‌یابند؟

۲- معنای حکومت و جایگاه حاکم در نگاه امام علی (ع)

در تطبیق معرفتی معنای مدیریت با حکومت، می‌توان این‌گونه گفت که حکومت ازنظر امام علی (ع) وظیفه‌ای است الهی بر دوش حاکم که بایستی مطیع اوامر الهی و ولی امر بوده و با اعتلای روزافزون ظرفیت‌های انسانی، جامعه را در مسیر تعالی هدایت کند (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲). ایشان حکومت را به‌خودی‌خود یا برای رسیدن به امیال نفسانی فاقد هرگونه ارزش و بسیار پست می‌خوانند و والیان زیردست خود را از آن بر حذر می‌دارند. ارزش مردم در حکومت امام علی (ع) بسیار والا است، به‌طوری‌که حاکم حق هیچ تعدی به ایشان را نداشته و بایستی خود را هم‌ردیف مردم بداند و حکومت خویش را از معبر پذیرش عام تضمین نماید (جعفری، ۱۳۷۶). امام علی (ع) حکومت را فریضه‌ای از سوی خداوند بر عهده حاکم می‌بیند و حاکمان را پاسبانان خداوند بر روی زمین معرفی می‌کند (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۳۲). ازنظر ایشان پذیرش امر حکومتی از سوی حاکم بایستی به دلیلی محکم و بر اساس خواست عموم صورت پذیرد، چنانکه می‌فرماید: «اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود، و یاران، حجت را بر من تمام نمی‌کردند، و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته و رها می‌نمودم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶/۳).

ایشان در امر خطیر انتخاب کارکنان و کارگزاران نیز به والیان گوشزد می‌کند که در امور کارکنان حساس باشند، و پس از اثبات موفقیت در آزمون تجربه و حیا و اصالت و تقوا و اخلاق و آینده‌نگری نزد عموم ایشان را به کار بگیرند (نهج‌البلاغه، نامه ۷۱/۵۳). ازنظر امام علی (ع) حاکم وظیفه دارد عدل و انصاف را بر روی زمین بگستراند، امانت‌دار خدا در زمین باشد، و از فساد و گناه در جامعه جلوگیری کند (خوانساری، ۱۳۴۶: ۶۰۴). ایشان حاکمان را از مصادیق فساد و گناه بر حذر می‌دارد، به‌طوری‌که در مهم‌ترین و پرتکرارترین کلام به حاکمان اجرای فرمان‌ها و امانت‌داری را گوشزد می‌کند: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب‌ونان نخواهد بود، بلکه امانتی است در گردن تو، باید از فرمانده و امام اطاعت کنی» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۸۵/۵). پس حاکم را از غرور و سرکشی بر حذر می‌دارد و او را به تعقل می‌خواند، تا اگر دچار تکبر یا خودبزرگ‌بینی شد به بزرگی حکومت پروردگار بنگرد و از سرکشی نجات یابد (نهج‌البلاغه، نامه ۱۳/۵۳). همچنین حاکم را به مهربانی با مردم امر می‌کند: «مبادا همچون حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت بیابی» (نهج‌البلاغه، نامه ۸/۵۳)، و خضوع در برابر مردم را یک اصل می‌خواند: «مبادا بگویی من اکنون بر آنان مسلطم، فرمان دادن از من است و از آنان اطاعت کردن، که عین راه یافتن فساد در دل و خرابی در دین و نزدیک شدن به سقوط است» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). ایشان سعه‌صدر در برابر مردم را اصلی مهم در حاکمیت برمی‌شمارد و از رسول خدا نقل می‌کند ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان بی‌اضطراب و بهانه‌ای بازنستاند رستگار نخواهد شد (نهج‌البلاغه، نامه ۱۰۹/۵۳).

۲-۱ روش و ابزار تحقیق

این پژوهش ازنظر ماهیت کاربردی و از حیث شیوه اجرا کیفی است. از میان روش‌های پژوهش کیفی از رویکرد تحلیل محتوا به‌عنوان رویکردی قاعده‌مند و از روش تحلیل مضمون به‌عنوان روشی برای دستیابی به معنا و ارتباط درون‌متنی در آن استفاده شده است. سه مرحله اصلی طی شده در این تحقیق عبارت‌اند از:

الف) تجزیه‌وتحلیل متون: آشنایی، کدگذاری، شناخت مضامین؛

ب) شرح و تفسیر کلیدواژه‌ها: شبکه مضامین، تفسیر ارتباطات درون‌متنی؛

ج) استخراج و ترکیب مضامین: تدوین نتایج و انطباق.

در گام اول با مطالعه مفاهیم مطرح در نهج‌البلاغه مجموعه کلیدواژه‌های پایه با تحلیل کمی توسط نرم‌افزار MaxQDA ۱۰ استخراج و پس‌ازآن نسبت به کدگذاری و دسته‌بندی مضامین اصلی در متن نهج‌البلاغه اقدام شد. پایایی پژوهش با روش توافق درون موضوعی

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۰. پاییز ۱۳۹۹
Urban managment
No.60 Autumn 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

تأییـد شـد (۸۳ درصـد). تحلیل‌هـای کمـی بـا اسـتفاده از سـه ترجمـه معتبـر محمدجعفـر شـهیدی، محمدتقـی جعفـری و محمـد دشـتی آغـاز شـد و برآینـدی از نتایـج حاصـل مـورد آزمـون اولیـه قـرار گرفـت و نهایتـاً متـن مورداسـتفاده در ایـن پژوهـش متـن کامـل نهج‌البلاغـه، ترجمـه محمـد دشـتی تعییـن گردیـد. پـس از یافتـن مضامیـن اصلـی و فرعـی، ارتبـاط میـان مضامیـن و تحلیـل آن‌هـا در قالـب ماتریـس کدهـای مشـترک انجـام شـد و درنهایـت بـا بهره‌گیـری از منابـع تکمیلـی، آرای امـام علـی (ع) در قالـب صفـات حاکـم (مدیـر) و معیارهـای حکومـت (مدیریـت) مـورد تحلیـل قـرار گرفـت. ایـن فراینـد در نمـودار مفهومـی زیـر نشـان داده شـده اسـت.



شکل ۱- مدل مفهومی روش تحقیق

۳- یافته‌ها

۳-۱- معیارهـای حکومـت و صفـات حاکـم از منظر امـام علـی (ع) و مفهـوم آن در مدیریت شـهری

مضامیـن اساسـی جهـت کاوش در نهج‌البلاغـه بـر اسـاس میـزان تکـرار کلیـدواژگان در گزاره‌هـا، شـش مـورد بـه ترتیـب میـزان تکـرار شـامل عدالـت، آمـوزش، وحـدت، معیشـت، امنیـت، و قضـاوت اسـتخراج شـد. عـلاوه بـر آن‌هـا، مضمـون خودسـازی حاکـم جهـت شناسـایی صفـات مدیـر به‌صـورت جداگانـه موردمطالعـه قـرار گرفـت. درواقـع هـر یـک از مضامیـن در تحلیـل متـن نهج‌البلاغـه خـود از برآینـد کلیدواژگانـی حاصـل شـده‌اند کـه مجموعـاً تعیین‌کننـده میـزان تکـرار مضمـون در متـن اسـت. جـدول زیـر میـزان تکـرار و کلیـدواژگان مرتبـط بـا هـر مضمـون را نشـان می‌دهـد.

۳-۱-۱- عدالت:

امـام علـی (ع) در رابطـه بـا برقـراری عدالـت در شـهرها آن را موجـب مـودت میـان مـردم و آرامـش خاطـر حاکـم دانسـته‌اند (جعفـری، ۱۳۷۶: ۲۴۹). ایشـان می‌فرمایـد: «در عـدل گشـایش اسـت و کسـی کـه عـدل بـر او تنـگ می‌گـردد، سـتم بـر او تنگ‌تـر می‌شـود» (نهج‌البلاغـه، خطبـه ۱۵). همچنیـن بهتریـن روشـنایی چشـم زمامـداران را اسـتقرار عدالـت در شـهرها و ظهـور محبـت میـان مـردم می‌دانـد (نهج‌البلاغـه، نامـه ۵۳). اگرچـه برقـراری عدالـت همـواره از مهم‌تریـن چالش‌هایـی بـوده کـه در اجتمـاع شـهری موردتوجـه قـرار گرفتـه امـا بـر سـر کیفیـت وقـوع آن مناقشـه وجـود داشـته اسـت. از منظـر مدیریـت شـهری عدالـت در سـه بعـد فضایـی، اجتماعـی و اقتصـادی قابل‌تعریـف و پیگیـری اسـت (Gray, ۲۰۰۲). مفهـوم عدالـت اجتماعـی در شـهر، در حفـظ منافـع گروه‌هـای مختلـف اجتماعـی به‌طـور عـام و گروه‌هـای هـدف به‌طـور خـاص، از طریـق توزیـع بهینـه منابـع شـهری، درآمدهـا و هزینه‌هـا تعریـف می‌شـود. عدالـت اقتصـادی نیـز بایـد دربرگیرنـده توزیـع و تخصیـص عادلانـه باشـد (وارثـی و همـکاران، ۱۳۸۷)، لـذا هرگونـه برنامه‌ریـزی شـهری کـه مبتنـی بـر عدالـت فراگیـر در شـهر باشـد می‌بایسـت بتوانـد هـم در توزیـع منافـع عمومـی بـر اسـاس اسـتحقاق و هـم در تخصیـص آن‌هـا مؤثـر باشـد.

جدول ۱- مضامین و کلیدواژه‌های موردپژوهش

مضمون در نهج‌البلاغه	عدالت (۸۳۲ بار)	آموزش (۷۴۱ بار)	وحدت (۶۵۸ بار)	معیشت (۶۰۳ بار)	امنیت (۱۴۹ بار)	قضاوت (۱۱۲ بار)	خودسازی حاکم (۹۸۰ بار)
کلیدواژه‌های مرتبط در نهج‌البلاغه	عدل، عادل، انصاف، تعادل، مساوات، برابری	خطبه، نماز، سواد، قرآن، دانش، فکر	امت، پیامبر، خدا، امامت، هدایت	سهم، بیت‌المال، شغل، تجارت، کشاورزی، ذخیره، ثروت	آرامش، آسایش، صلح، ثبات، تعادل	حق، انصاف، شاهد، حقیقت، دلیل، دادخواهی	تواضع، حق‌گرایی، خردورزی، جمع‌گرایی، سعه‌صدر، صداقت، مردم‌داری، میانه‌روی، مشورت

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۰. پاییز ۱۳۹۹
Urban managment
No.60 Autumn 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

۳-۱-۲- قضاوت:

در عصر حاضر لزوم برقراری نظام قضاوت در کشاکش جریان تعارض‌های بی‌شمار حقوقی و قانونی شهرها اهمیت بالایی یافته است. امام علی (ع) درباره انتخاب مرجع و اساس قضاوت می‌فرماید: «از میان مردم برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی که مراجعه فراوان، آن‌ها را به ستوه نیاورد، و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد، بر اشتباهاتش پافشاری نکند، و بازگشت به حق پس از آگاهی بر او دشوار نباشد، طمع را از دل ریشه‌کن کند، و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد، و در شبهات از همه محتاط‌تر عمل کند، و در یافتن دلیل اصرار او از همه بیشتر باشد» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۵/۵۳). برقراری شرایط و زمینه‌های لازم برای تعادل میان ابعاد و عناصر شهر برمدار قانون استوار می‌گردد و مبتنی بر چارچوبی است که وظایف و تکالیف چندسویه شهروندان و مدیریت شهری را روشن نموده و هدف آن سامان بخشی به زندگی شهری باشد (منصوری، ۱۳۸۳). به بیانی می‌توان گفت حقوق و وظایف شهروندان در برابر دیگران سازوکاری را اقتضا می‌کند که متضمن برقراری عدالت بوده و جوانب مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در جهت وفاق دربرگیرد.

۳-۱-۳- امنیت:

امام علی (ع) امنیت را مایه بروز استعدادها و تعالی بشر در اجتماع برمی‌شمرد و صلح را مقدم بر جنگ خوانده و امرای خود را به صلح هوشیارانه ترغیب می‌کند، زیرا صلح را موجب امنیت جامعه و اسباب کمال انسان دانسته و در باب ضرورت آن می‌فرماید: «مردم به زمامدار نیک یا بد نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱/۴۰). در مدیریت شهری امنیت از مؤلفه‌های مهم و ضروری در حیات مدنی و یکی از نیازهای پایه‌ای برای تعالی انسان محسوب می‌شود (ضیایی، ۱۳۸۳). از جنبه اجتماعی شهر به‌عنوان فضایی خاص برای خلق فرصت زندگی گروهی قابل‌تعبیر است و به‌واسطه اشکال غیرمستقیم ارتباط و تعامل، انسان‌های مختلفی را در خود می‌پرورد و گروه‌های بسیاری را شکل می‌بخشد که دلیل اصلی ظهور موانع بر سر راه شکل‌گیری امنیت شهری محسوب می‌شود (مامفورد، ۱۳۸۳). در چنین شرایطی مدیریت شهری می‌تواند با تمرکز بر نهادها و سرمایه اجتماعی شناخته‌شده احساس امنیت را به شهر بازگرداند.

۳-۱-۴- وحدت:

امام علی (ع) با تأکید بر اندیشه در احوال گذشتگان، عامل عزت آنان و خفت دشمنانشان را در وحدت می‌داند که کرامت و شخصیت به آنان می‌بخشد (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۰/۱۹۲) و حاکم را بند تسبیحی می‌خواند که دانه‌ها (مردم) را گرد هم آورده و به یکدیگر ضمیمه می‌کند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۶). وحدت و یکپارچگی اجتماعی شهر محصول ساختاری چندبعدی است که در نظریه مبادله اجتماعی ارتباط چندوجهی میان انسان‌ها را تبیین می‌کند (Mohanty & Rath, ۲۰۱۲). اعتماد از جنبه‌های مهم روابط اجتماعی سالم و از پایه‌های یکپارچگی جامعه محسوب می‌شود که در جریان تعاملات و کنش‌های متقابل اجتماعی بر پایه دو معیار پاسخگویی و تعهد نقش مهمی در ایجاد نظم و همبستگی دارد.

۳-۱-۵- معیشت:

در اندیشه امام علی (ع) توجه به اصلاح شیوه معیشت و آسایش اقتصادی مایه آرامش و اجرای دین است به‌طوری‌که اصلاح معیشت بندگان خدا را از وظایف اصلی حاکم و شاخص کفایت او می‌خواند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). ایشان توجه به قشر ضعیف و طبقات پایین اقتصادی شامل نیازمندان و مستمندان را حقی می‌داند که بر گردن زمامدار نهاده شده است (نهج‌البلاغه، نامه ۴۸/۵۳). در مدیریت شهری اهرم اجرایی بهبود رفاه عمومی در عوامل اقتصادی دیده شده است (شایان،۱۳۸۰؛ ضیایی، ۱۳۸۳). در این دوران با توجه به افزایش جمعیت، کاهش سهم دولت در اشتغال و تغییرات اساسی در سازوکار شهرها بر اثر جهانی‌شدن، پدیده معیشت که بر پایه اشتغال و کارآفرینی ارتقا می‌یابد به‌عنوان ابزاری در راستای تحقق اقتصاد پویا و پایدار شهری معرفی می‌شود (Sriram et al., ۲۰۰۷). مدیریت شهری وظیفه مهمی در بسترسازی برای رشد و کارآفرینی شهروندان از طریق ایجاد زمینه‌های لازم و حذف موانع داشته و از این طریق امکان توسعه فراگیر شهر در ابعاد اقتصادی و اجتماعی را موجب می‌شود.

۳-۱-۶- آموزش:

امام علی (ع) یکی از حقوق متقابل حکومت و مردم را آموزش برشمرده و آموزش عمومی و رشد فضایل انسانی و تلاش حاکم برای فراهم آوردن اسباب آموزش مردم را از حقوق مردم بر حکومت می‌خواند (خوانساری، ۱۳۴۶) و معتقد است که مردم باید خود بخواهند و در مسیر تربیت گام نهند که در غیر این صورت تربیتی حاصل نخواهد شد (جعفری، ۱۳۷۶: ۴۵۰). ایشان درباره ارتقای

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۰. پاییز ۱۳۹۹
Urban managment
No.60 Autumn 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

علمی حاکم می‌فرماید: «کسی که خود را رهبر مردم ساخته باید پیش از آن‌که به تعلیم دیگران بپردازد، خود بیاموزد و پیش از آن‌که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۷۳). آموزش از ارکان اساسی حیات مدنی در عصر حاضر است که در جهت افزایش آگاهی و استحکام مردم محوری و مشارکت مدنی نقش مهمی دارد (نصری، ۱۳۹۴). در مدیریت شهری آموزش‌های شهروندی را بایستی به‌عنوان مجموعه دانش، ابزار و فعالیت‌هایی در نظر گرفت که به‌منظور ترغیب افراد جامعه برای مشارکت فعالانه در زندگی جمعی و احقاق حقوق و مسئولیت‌ها به کار می‌آید.

۳-۱-۷- خودسازی حاکم:

ازآنجاکه تعالی خصایل انسانی و اخلاقی از کلیدی‌ترین مباحث موردنظر امام علی (ع) در سخن با والیان حکومت‌های محلی بوده است، در بخش بزرگی از نهج‌البلاغه می‌توان اشارات ایشان به لزوم خودسازی حاکمان را مشاهده نمود. به‌طوری‌که ایشان خودسازی را اصلی اساسی برای حاکم دانسته و حاکمیت را در ارتباط با خصایص فردی حاکم واجد مشروعیت می‌خواند (جعفری، ۱۳۸۴: ۹۱). ایشان در موارد متعدد به تشریح خصوصیات حاکم پرداخته و شمایلی واقعی از حاکم مستقر در حکومت اسلامی را ترسیم می‌کند. مجموعه‌ای منتخب از آرای ایشان در ارتباط با صفات حاکم در جدول زیر آمده است.

جدول ۲- خصایل اخلاقی حاکم در کلام امام علی (ع)

صفات		منتخب کلام
تواضع	—	«تاج تواضع و فروتنی را بر سر نهید و تکبر و خودپسندی را زیر پا بگذارید و حلقه‌های زنجیر خودبزرگ‌بینی را از گردن باز کنید» (نهج‌البلاغه، نامه ۲۳/۱۹۲).
حق‌گرایی	—	«و به او فرمان می‌دهد تا از پیروی آرزوها بایستد، و به هنگام سرکشی رامش نماید، که همانا نفس همواره به بدی وامی‌دارد ... هوای نفس را در اختیار گیر، و از آن‌چه حلال نیست اجتناب کن» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).
خردورزی	— —	«باید از کارها، آن را بیش‌تر دوست بداری که نه از حق بگذرد و نه فروماند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). «بخشنده باش نه با تبذیر و اندازه نگه‌دار و بر خود سخت مگیر» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۳).
جمع‌گرایی	—	«تا می‌توانی با پرهیزکاران و راست‌گویان بپیوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستایند، و تو را برای اعمال زشتی که انجام نداده‌ای تشویق نکنند».[1]
سعه‌صدر	— —	«باد غرورت، جوشش خشمت، تجاوز دستت، تندی زبانت، را در اختیار خود گیر، و با پرهیز از شتاب‌زدگی، و فروخوردن خشم خود را آرامش ده تا خشم فرونشیند و اختیار نفس در دست تو باشد».[2] «مبادا در کاری که وقت آن فرانرسیده شتاب کنی، یا در کاری که وقت آن رسیده سستی ورزی، و یا در چیزی که روشن نیست ستیزه‌جویی نمایی و یا در کارهای روشن کوتاهی کنی».[3]
صداقت	— —	«و از اموری که بر همه روشن است، غفلت نداشته باش، زیرا به‌هرحال نسبت به آن در برابر مردم مسئولی، و به‌زودی پرده از کارها کنار رود، و انتقام ستمدیده از تو بازمی‌گیرند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). «هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن والیان، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه است» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).
مردم‌داری	— — —	«با خدا و مردم و با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری انصاف را رعایت کن» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). «مبادا با خدمت‌هایی که انجام دادی بر مردم منت‌گذاری، یا آن‌چه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری، یا مردم را وعده‌ای داده سپس خلف وعده نمایی» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). «به‌ویژه امور کسانی را بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند» (نهج‌البلاغه، نامه ۱۰۱/۵۳).
میانه‌روی	— —	«آن‌که میانه را پیش گیرد، بستانیدش و به نجات مژده دهید و آن‌که راه راست یا چپ را پیش گیرد، روش وی را زشت شمارند و از تباهی‌اش بر حذر دارند».[4] «فرد جاهل همواره یا در افراط است یا تفریط» (نهج‌البلاغه، حکمت ۷۰).
مشورت	— —	«بخیل را در مشورت دخالت نده که تو را از نیکوکاری بازمی‌دارد، و از تنگدستی می‌ترساند. ترسو را در مشورت دخالت نده که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کند. حریص را در مشورت دخالت نده که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). «با دانشمندان فراوان گفتگو کن، و با حکیمان فراوان بحث کن، که مایه آبادانی و اصلاح شهرها، و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت».[5]

۱- سنن ترمذی، ۱۳۷۸
۲- سنن ترمذی، ۱۳۷۸
۳- محمدی و دشتی، ۱۳۷۸
۴- محمدی و دشتی، ۱۳۷۸
۵- سنن ترمذی، ۱۳۷۸

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۰. پاییز ۱۳۹۹
Urban managment
No.60 Autumn 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

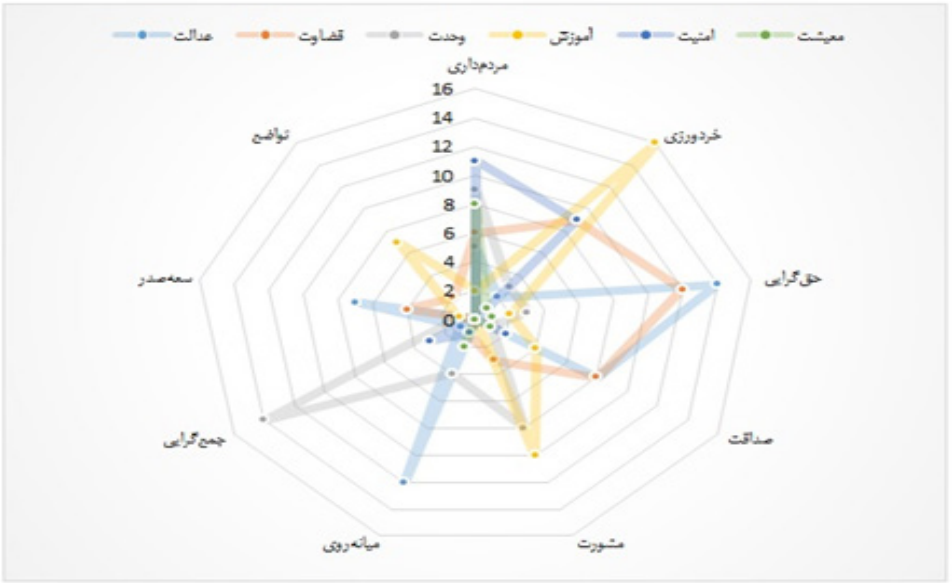
۳-۲- سنجش ارتباط میان معیارهای حکومت و صفات حاکم

در این مطالعه تلاش شد با استخراج مضامین مرتبط با حکومت (مرادف با مدیریت) و حاکم (مرادف با مدیر) از دل کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه، به چگونگی کیفیات آن از منظر امام علی (ع) پرداخته شود. لازم بود مضمون خودسازی حاکم به‌عنوان یک فرا معیار مورد تأکید و تحلیل قرار گیرد و در ارتباط با ابنای حکومت مطالعه شود. از این معبر امکان سنجش ارتباط درون‌متنی میان معیارهای حکومت و صفات حاکم فراهم گشت که تعدد ارتباطات درون‌متنی آن‌ها در جدول زیر آمده است.

با توجه به ارتباطات درون‌متنی می‌توان گفت خصایص مطرح درباره حکومت بر اساس میزان ارتباط با خصایل حاکم به ترتیب اهمیت شامل عدالت، قضاوت، وحدت، آموزش، امنیت و معیشت است. همچنین با توجه به میزان ارتباط صفات اخلاقی حاکم و معیارهای حکومت، می‌توان دریافت که هر یک از معیارهای حکومتی بیشترین ارتباط را با کدام‌یک از صفات حاکم دارند و از این طریق می‌توان شاخصی برای شناسایی کیفی حاکم (مدیر) شایسته تعریف نمود. بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه آنکه در جایگاه حاکم بالادست قرار می‌گیرد بایستی همه خصایل اخلاقی را به نیکی

جدول ۳- تعداد ارتباط درون‌متنی معیارهای حکومت و صفات اخلاقی حاکم در آرای منتخب از نهج‌البلاغه

ارتباط درون‌متنی مضامین/خصایص مردم‌داری		صفات حاکم (خودسازی)									مجموع
		خردورزی	حق‌گرایی	صداقت	مشورت	میانه‌روی	جمع‌گرایی	سعه‌صدر	تواضع		
معیارهای حکومت	عدالت	۵	۲	۱۴	۸	۰	۱۲	۱	۵	۰	۴۹
	قضاوت	۶	۹	۱۲	۸	۳	۱	۰	۴	۲	۴۵
	وحدت	۹	۳	۳	۱	۸	۴	۱۴	۱	۰	۴۳
	آموزش	۲	۱۶	۲	۴	۱۰	۰	۰	۱	۷	۴۲
	امنیت	۱۱	۹	۰	۲	۰	۱	۳	۰	۰	۲۶
	معیشت	۸	۱	۱	۱	۰	۲	۰	۰	۰	۱۳
مجموع		۴۱	۴۰	۳۲	۲۴	۲۱	۲۰	۱۸	۱۳	۹	



شکل ۲- ارتباط درون‌متنی معیارهای حکومت و صفات اخلاقی حاکم در آرای منتخب از نهج‌البلاغه

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۰. پاییز ۱۳۹۹
Urban managment
No.60 Autumn 2020

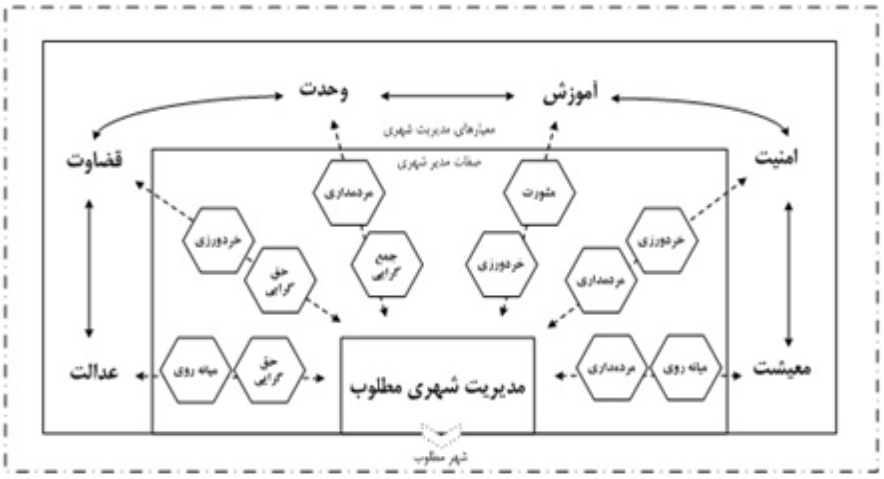
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

در خود پرورانده باشد و کارگزاران زیردست نیز بایستی از خصلت‌های موردنیاز بهره‌مند باشند. نمودار زیر به‌طور شماتیک ارتباط میان معیارهای حکومت و صفات حاکم را نشان می‌دهد.

گرچه درهم تنیدگی خصایص حکومتی و خصایل حاکم لزوم نگاه جامع نسبت به آن را اقتضا می‌کند، اما برای تبیین اهداف مدیریتی و تعیین افراد مناسب در مناصب مختلف بهره‌گیری از چارچوبی نظام‌مند می‌تواند بسیار مفید باشد. ازاین‌رو شناخت نگاه والای امام علی (ع) دراین‌باره و توجه به آن در مدیریت شهری راهگشای تعیین اهداف و اولویت‌ها است. ایشان جهت اعتلای معیارهای حکومت در جامعه بر انتصاب فرد مورد اعتماد در منصب متناسب تأکید دارد و آن را موجد اعتماد مردم نسبت به حاکمیت می‌خواند، علی‌الخصوص در نامه شماره ۵۳ خطاب به مالک اشتر بارها از ناکامی حاکمانی سخن به میان می‌آید که اصول را نادیده گرفتند و بر فروع پافشاری کردند. باید توجه داشت که عدالت و قضاوت جز با نهادینه شدن اندیشه حق‌گرایانه رواج نمی‌یابد و پایداری آن وابسته به رعایت حقوق عام و خاص است، و وحدت مبتنی بر روابط اجتماعی و تعامل دائمی میان حاکم و حکومت (مدیر و مدیریت) با مردم (شهروندان) است. به نظر می‌رسد معیارهای آموزش، امنیت و معیشت که قطعاً از اهمیت بالایی برخوردار هستند در سایه اعتلای سه معیار نخست رشد می‌یابند.

۳-۳- الگوی قابل‌استفاده در مدیریت شهری

دستیابی به الگوی مناسب برای مدیریت شهری در شرایط مختلف ممکن است از راه‌های متفاوت حاصل شود، آنچه روشن است این‌که هر جامعه‌ای بنا به اولویت‌ها و ضرورت‌های خویش در تلاش برای تدارک چنین الگویی بایستی با نظر به آموزه‌های تاریخی و فرهنگی اقدام نماید. این بذل‌توجه به گنجینه‌های اندیشه همچون نهج‌البلاغه اولویت‌هایی را در اختیار می‌گذارد که نشان از حکمت والای علوی داشته و در بسیاری از منابع معتبر دینی مورد تأیید قرار گرفته است. در این پژوهش تلاش شد اهم معیارها و صفات از نگاه امام علی (ع) در قالبی منسجم استخراج گردد، آنچه از این الگو قابل‌برداشت است ارتباطی معنادار میان برخی صفات با معیارها است که می‌توان از آن به‌عنوان تأکید ایشان نام برد. چنانچه ترادف حکومت محلی با مدیریت شهری و حاکم با مدیر شهری مورد فرض قرار گیرد آنگاه می‌توان تعریفی مبین از صفات موردنیاز مدیر شهری برای دستیابی به هر یک از معیارهای مدیریت شهری ارائه نمود. بدین‌صورت که با نظر به تعدد ارتباطات درون‌متنی (جدول شماره ۳ و شکل شماره ۲) می‌توان دریافت از منظر ایشان برقراری عدالت در گرو حق‌گرایی و میانه‌روی، اجرای احکام و قضاوت صحیح در رابطه با حق‌گرایی و خردورزی، تقویت وحدت اجتماعی مربوط به جمع‌گرایی و مردم‌داری، عملیاتی شدن آموزش مناسب بر بستر خردورزی و مشورت، دستیابی جامعه به امنیت نیازمند مردم‌داری و خردورزی و ارتقای معیشت مردم بر پایه مردم‌داری و میانه‌روی فرد مدیر است. پس می‌توان گفت که اگر جامعه شهری در پی برقراری مدیریت شهری مطلوب و دستیابی به اهداف والای بشری است بایستی افراد مناسب در مسندهای قدرت قرار گیرند. از سویی اعتلای معیارهای مدیریت شهری و اجرایی شدن مفاهیم والای مدنظر امام علی (ع) نیازمند زمینه‌ای مستعد و متناسب از نیروی انسانی



شکل ۳- ارتباط میان مدیریت شهری مطلوب با صفات مدیر شهری در راستای دستیابی به معیارها از منظر امام علی (ع)

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۰ . پاییز ۱۳۹۹
Urban managment
No.60 Autumn 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

متعهد و مجرب است که جایگاه و اهداف را شناخته و استعداد حرکت در مسیر بهبود را داشته باشد. ارتباط میان مدیریت شهری مطلوب با صفات مدیر شهری و معیارهای مدیریت شهری در نمودار زیر ترسیم شده است.

جان کلام یافته‌های این پژوهش را می‌توان بدین شکل خلاصه نمود که در مقام مدیر لازم است فرد عاقلانه و خردورزانه عمل کند، درنتیجه و در پناه این عقلانیت حق را بشناسد، با صداقت عمل کند، بداند که جهت تأمین مراتب مختلف نیازهای انسان مسئول است؛ در این مقوله مردم را به‌خوبی بشناسد، و برای پیشرفت از مشورت با بزرگان غافل نشود. در ارتباط با دیگران سعه‌صدر داشته باشد، و تواضع را سرلوحه امور قرار دهد. پس از این رهگذر چنین مدیری قادر است در مقوله معیارهای مدیریت بر محور عدالت به‌عنوان یک اصل بایستد، قضاوت عادلانه را جاری گرداند، و در سایه ضمانت اجرایی آن مراتب مختلف امنیت را برقرار سازد. در کنار آن‌ها امکان آموزش مناسب را برای همه شهروندان فراهم نماید و به‌تناسب امکانات معیشت را ارتقا بخشد. این الگو می‌تواند امکان تبدیل شهرها به محیطی بهتر برای زندگی باکیفیت را فراهم آورد.

٤- نتیجه

در عصر حاضر گستردگی در وظایف و مسئولیت‌های مدیریت شهرهای در حال رشد بر چالش‌های آن در ایجاد وفاق و هماهنگی افزوده و مانعی بزرگ بر سر راه عملیاتی شدن اهداف آن گشته است و ازاین‌رو است که هر جامعه‌ای نیازمند بازتعریف اصول و مبانی بر اساس داشته‌های اندیشه و فرهنگ خویش است. تحلیل محتوای نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که معیارهای حکومت مطلوب شامل عدالت، قضاوت، وحدت، آموزش، امنیت، معیشت و معیارهای حاکم شایسته در صفات مردم‌داری، خردورزی، حق‌گرایی، صداقت، مشورت، میانه‌روی، جمع‌گرایی، سعه‌صدر، و تواضع سامانه‌ای را تشکیل می‌دهند که در آن ارتباط مشخصی بین معیارهای حکومت مطلوب و حاکم شایسته وجود دارد و درواقع صفات مدیر نوعی ضرورت و یکی از شروط اصلی امکان ظهور معیارهای مدیریت مطلوب محسوب می‌شود. این سامانه یکپارچه قابلیت تعمیم به شرایط مدیریت شهرها و تعیین مدیران شهری را نیز دارد.

یافته‌های این پژوهش در همسویی با تلاش‌های پیشین برای شناخت مدیر و مدیریت مطلوب از منظر امام علی (ع)، آموزه‌های حکومت ایشان را در حوزه مدیریت شهری وارد نمود و ارتباط میان صفات مدیر و معیارهای مدیریت شهری را مورد تحلیل قرار داد تا مشخص شود برای هر معیار مدیریتی چگونه فردی با چه شایستگی‌هایی لازم است. الگوی حاصل از این پژوهش و اولویت معیارهای مدیریت و صفات مدیر می‌تواند در مدیریت امور شهری به‌عنوان عیارسنج مطلوبیت کیفی مدیریت/مدیر مورداستفاده قرار گیرد. این پژوهش در نوع خود با محدودیت‌هایی مواجه بود، چنانکه تمرکز بر متن نهج‌البلاغه و روش تحلیل مضمون برخی محدودیت‌ها را رقم زد و بدیهی است که گسترش دامنه مطالعه با استفاده از منابع بیشتر و رجوع به سیره معصومین می‌تواند به تعمیق نتایج برای تبیین صفات و معیارها در مدیریت شهری یاری برساند.

منابع

- امین‌زاده، بهناز؛ نقی زاده، محمد. (۱۳۸۱). آرمان‌شهر اسلام، شهر عدالت. نشریه صفه. دوره ۱۲، شماره ۳ و ۴، صص ۲۱-۳۱.
- بمانیان، محمدرضا؛ تقوایی، علی‌اکبر؛ بهرام پور، مهدی. (۱۳۹۲). تبیین رویکرد نظریه شهر عدالت محور در نظام مدیریت شهری با تأکید بر طرح‌های توسعه شهری. مدیریت شهری. شماره ۳۷. صص ۲۵۶-۲۳۱.
- جعفری، سید محمدمهدی. (۱۳۸۴). مدیریت قبیلگی و مدیریت مدنی در نهج‌البلاغه. فصلنامه مدرس علوم انسانی. دوره ۱۰، شماره ۱، بهار، صص ۹۱-۱۱۰.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۶). ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حیدری، غلامرضا. (۱۳۹۷). بررسی اصول مملکت‌داری و حکومت در نهج‌البلاغه و سیاست‌نامه. نشریه نثرپژوهی ادب فارسی. سال ۲۱، شماره ۴۳، بهار و تابستان، صص ۶۳-۸۵.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد. (۱۳۴۶). شرح غررالحکم و دررالکلم، جلد ۲. انتشارات دانشگاه تهران.
- درزی، قاسم؛ صدریه، پیام. (۱۳۹۴). نگرشی میان‌رشته‌ای به حکمرانی خوب در قرآن و نهج‌البلاغه. فصلنامه النهج. شماره ۴۶، پاییز، صص ۱۰۳-۱۲۶.
- ربی پور، محمدعلی؛ صمدی وند، منوچهر. (۱۳۸۸). سیاست مدیریتی و ویژگی مدیران در نهج‌البلاغه. نشریه فراسوی مدیریت. سال دوم، شماره ۸، صص ۱۱۹-۱۴۰.
- رستمی، حامد؛ نظری، معصومه. (۱۳۹۵). تحلیلی بر مدل سیاسی حکومت در عصر غیبت با تکیه بر آموزه‌های نهج‌البلاغه. فصلنامه النهج. شماره ۴۸، بهار، صص ۹۸-۱۲۱.
- سید رضی. (۱۳۷۸). نهج‌البلاغه. ترجمه سید جعفر شهیدی. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ جامه بزرگی، آمنه. (۱۳۹۲). نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه. پژوهشنامه نهج‌البلاغه. شماره ۲، تابستان، صص ۱۷-۱.
- شایان، حمید. (۱۳۸۰). تحلیل کمی روند رشد و تحولات اشتغال در استان خراسان در دو دهه ۶۵-۱۳۵۵ و ۷۵-۱۳۶۵.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

فصلنامـه تحقیقـات جغرافیایـی، پیاپـی ۶۱، صـص ۸۸ – ۷۳.
– شـریف زادگان، محمدحسـین؛ ملـک پوراصـل، بهـزاد. (۱۳۹۴). مدیریـت شـهری دوران اسـلامی در فضاهـای اقتصـادی شـهر و توسـعه و به‌کارگیـری آن در شـهرهای ایـران امـروز. نشـریه پژوهش‌هـای معمـاری اسـلامی. دوره ۳، شـماره ۴، صـص ۸۵-۶۵.
– ضیایـی بیگدلـی، محمدتقـی. (۱۳۸۳). موانـع اشـتغال پایـدار و راهکارهـا. پژوهشـنامه اقتصـادی، شـماره پیاپـی ۱۲، صـص ۱۲۹ -۱۱۳.
– عرفانیـان، جلیـل (۱۳۹۶). توسـعه مدیریـت شـهری از منظـر تمـدن ایرانـی اسـلامی. تهـران: نشـر فرهـوش.
– قراسـویی، ابراهیـم. (۱۳۹۴). شناسـایی مؤلفه‌هـا و شـاخص‌های سیاسـی مؤثـر بـر مدیریـت سـالم بـا الهـام از نهج‌البلاغـه. فصلنامـه النهـج. شـماره ۴۶، پاییـز، صـص ۱۴۳-۱۲۷.
– قربـان نـژاد، پریسـا؛ عیسـی خانـی، احمـد. (۱۳۹۲). الگـوی شایسـتگی مدیـران بـر اسـاس نهج‌البلاغـه امـام علـی (ع). فصلنامـه مدیریـت توسـعه و تحـول. شـماره ۱۵، صـص ۱۷-۲۲.
– کاظمیـان، غلامرضـا؛ عابدینـی، زهـره. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسـی مدیریـت یکپارچـه شـهری در تهـران از منظـر سیاسـت‌گذاری و تصمیم‌گیـری شـهری، نشـریه هنرهـای زیبـا – معمـاری و شهرسـازی، شـماره ۴۶، صـص ۳۸-۲۷.
– مامفـورد، لوییـس. (۱۳۸۳). فرهنـگ شـهرها. ترجمـه عـارف اقوامـی مقـدم. انتشـارات مرکـز مطالعاتـی و تحقیقاتـی شهرسـازی و معمـاری.
– ماهـوزی، مهـدی. (۱۳۹۱). مفهـوم مدیریـت و رهبـری در اسـلام بـا تکیـه بـر نهج‌البلاغـه. پژوهش‌نامـه فرهنـگ و ادب. سـال هشـتم، شـماره ۱۳، بهـار و تابسـتان، صـص ۲۸۸-۲۷۷.
– محمـد بـن عیسـی بـن سـوره، ابوعیسـی. (۱۳۷۸). سـنن ترمـذی. نشـر دارالحدیـث.
– محمـدی، کاظـم؛ دشـتی، محمـد. (۱۳۷۸). المعجـم المفهـرس لألفـاظ نهج‌البلاغـه. انتشـارات امیرالمؤمنیـن.
– منصـوری، جهانگیـر. (۱۳۸۳). مجموعـه قوانیـن و مقـررات شـهر و شـهرداری. نشـر دیـدار، تهـران.
– نقـی‌زاده، محمـد. (۱۳۹۵). شـهر علـوی (شـهر آرمانـی تحقق‌پذیـر در دنیـا). انتشـارات خورشـید بـاران.
– نوایـی، علی‌اکبـر؛ سیدموسـوی، سـید حسـین. (۱۳۹۰). سـاختار حکومـت در نهج‌البلاغـه. فصلنامـه مطالعـات تفسـیری. سـال دوم، شـماره ۶ تابسـتان، صـص ۱۷۱-۱۹۴.
– هاشـمی، صدیقـه سـادات؛ الوانـی، سـید مهـدی. (۱۳۹۷). الگـوی مدیریـت منابـع انسـانی بخـش دولتـی در پرتـو نهج‌البلاغـه. فصلنامـه پژوهش‌هـای مدیریـت انتظامـی. سـال سـیزدهم، شـماره ۲، تابسـتان، صـص ۱۸۱-۲۱۴.
– وارثـی، حمیدرضـا؛ زنگی‌آبـادی، علـی؛ یغفـوری، حسـین. (۱۳۸۷). بررسـی تطبیقـی توزیـع خدمـات عمومـی شـهری از منظـر عدالـت اجتماعـی مطالعـه مـوردی، زاهـدان. فصلنامـه جغرافیـا و توسـعه، شـماره ۱۱، صـص ۱۵۶-۱۳۹.
– Abuissa, M. (1998). *Sonan Tarmazi*. Dar al-hadis Publication.
– Amos, F. (1989). *Strengthening municipal government*. Journal of Cities, 6(3), pp.202-208.
– Attri, R.; Grover, S.; Dev, N.; Kumar, D. (2012). An ISM approach for modelling the enablers in the implementation of Total Productive Maintenance (TPM). International Journal of System Assurance Engineering and Management, 4(4), pp.313-326. doi: 10.1007/s13198-012-0088-7.
– Gray, R. (2002). *the Social Accounting project and Accounting organization and society privileging engagement*, *Imaging new accounting*. Journal of Accounting organizations and Society, No. 27. pp. 27-39.
– McGill, R. (1998).*Urban Management in Developing Countries*. Cities. Vol. 15, No. 6, pp. 168-131.
– McGill, R. (2001). *Urban Management Checklis*. Cities. Vol. 18, No. 5, pp. 347–354.
– Mohanty, J.; Rath, P. (2012). Infl*uence of organizational culture on organizational citizenship behavior*. Global journal of business Research. Vol. 6, No. 1.
– Nandakumar, K.; Jharkharia, S.; Nair, A. (2014). *Organisational flexibility and competitiveness*. New Delhi: Springer India.
– Oliver, P. (2008). *City leadership*: *At the heart of the global challenge*. Journal of Global Asia. No. 3(3), pp. 21-24.
– Schwedler.H. (2011). *Integrated Urban Governance.Metropolis*. World Association of the Major Metropolises Senate. Department for Urban Development. Berlin March.
– Sriram, V.; Mersha, T.; Herron, L. (2007). D*rivers of urban entrepreneurship*: *An integrative model*. International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research. No. 13(4), pp. 235-251.
– Wandeler, K. (2008). *Integrated Approaches to Design and Planning*. Commemorative International Conference of the Occasion of the 1th Cycle Anniversary of KMUTT (Sustainable Development to Save the Earth: Technologies and Strategies Vision 2008). Bangkok, Thailand.

Resources (in Persian):

– Aminzadeh, B., Naghizadeh, M. (2000). *Islam Utopia*, *City of Justice*. Soffeh. No.12, Vol. 3-4, pp. 21-31.
– Bemanian, M., Taghvaie, A., BahramPour, M. (2012). *Explaining the approach of justice-oriented city theory in the urban*

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۰ . پاییز ۱۳۹۹
Urban managment
No.60 Autumn 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

- Shahabadi, A., Jamehbozorgi, A. (2012). *The theory of good governance from the perspective of Nahj al-Balagheh*. Research Journal of Nahj al-Balagheh. No. 2, Summer, pp. 1-17.
- Sharifzadegan, M., Malekpour, B. (2014). *Urban management of the Islamic era in the economic urban spaces and its development and application in contemporary Iranian cities*. Journal of Islamic Architecture Research. Vol. 3, No. 4, pp. 65-85.
- Shayan, H. (2000). *Quantitative analysis of employment growth and developments in Khorasan province in the two decades of* 1355-65 *and* 1365-75. Geographical Research Quarterly, No. 61, pp. 88-73.
- Varesi, H., Zangiabadi, A., Yaghfuri, H. (2007). *A Comparative Study of Urban Public Service Distribution from the Perspective of Social Justice*: *A Case Study*, *Zahedan*. Quarterly of Geography and Development. No. 11, pp. 156-139.
- Ziaie, M. (2003). *Barriers to sustainable employment and solutions*. Economic Research Journal, Consecutive Issue 12, pp. 129-113.
- Mahozi, M. (2011). *The concept of management and leadership in Islam based on Nahj al-Balagheh*. *Journal of Culture and Literature*. Y. 8, No. 13, Spring & Summer, pp. 277-288.
- Mansouri, J. (2003). *Collection of city and municipal rules and regulations*. Didar Publication, Tehran.
- Mohamadi, K., Dashti, M. (1998). *Indexed dictionary of Nahj al-Balagheh*. Amir Publication.
- Mumford, L. (2003). *Culture of cities*. Translated by Aref Aqwami Moghaddam. Publication of Urban Planning and Architecture Research Center.
- Naghizadeh, M. (2015). *Alavi City* (*a realistic utopia*). Khorshid Publication.
- Navaie, A., Mousavi, H. (2010). *The structure of government in Nahj al-Balagheh*. Quarterly Journal of Interpretive Studies. Y. 2, No. 6, Summer, pp. 171-194.
- Rabipour, M., Samadivand, M. (2008). M*anagement policy and characteristics of managers in Nahj al-Balagheh*. Journal of Beyond Management. Y. 2, No. 8, pp. 119-140.
- *management system with emphasis on urban development plans*. Urban Management. Journal of Urban Management. No. 37, pp. 231-256.
- Darzi, Gh., Sadrieh, P. (2014). *An interdisciplinary view of good governance in the Quran and Nahj al-Balagheh*. Quarterly Journal of Al-Nahj. No. 46, Fall, pp. 103-126.
- Erfanian, J. (2016). Develop*ment of urban management from the perspective of Iranian Islamic civilization*. Farhosh Publication.
- Gharasouie, E. (2014). *Identify the components and political indicators affecting healthy management inspired by Nahj al-Balagheh*. Quarterly Journal of Al-Nahj. No. 46, Fall, pp. 127-143.
- Ghorbannejad, P., Eisakhani, A. (2012). *Competency model of managers based on Imam Ali's Nahj al-Balagheh*. Quarterly Journal of Development and Transformation Management. No. 15, pp. 17-22.
- Hashemi, S., Alvani, M. (2017). *Public sector human resource management model in the light of Nahj al-Balagheh*. Quarterly Journal of Law Enforcement Management Research. Y. 13, No. 2, Summer, pp. 181-214.
- Heidari, R. (2018). *Study of the statehood and government principles in Nahj al-Balagheh and Siasat-Nameh*. Journal of Persian Literature Prose. Y. 21, No. 43, Spring & Summer, pp. 63-85.
- Jafari, M. (1996). *Translation and interpretation of Nahj al-Balagheh*. Islamic Culture Publication.
- Jafari, M. (2004). *Tribal management and civic management in Nahj al-Balagheh*. Quarterly Journal of Humanities. No. 10, Vol. 1, Spring, pp. 91-110.
- Kazemian, R., Abedini, Z. (2010). *Pathology of Integrated Urban Management in Tehran from the Perspective of Urban Policy and Decision Making*. Journal of Fine Arts - Architecture and Urban Planning, No. 46, pp. 38-27.
- Khansari, J. (1976). *Description of Ghorar al-Hekam and Dorar al-Kalem*. Vol. 2. University of Tehran Press.
- Razi, S. (1998). *Nahj al-Balagheh* (*Translated by Shahidi*, *J. in Persian*). Scientific and cultural publishing company.
- Rostami, H. Nazari. M. (2015). *An analysis of the political government model in the age of absence based on the teachings of Nahj al-Balagheh*. Quarterly Journal of Al-Nahj. No. 48, Spring, pp. 98-121.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]